سهیل کثیری‌نژاد، کارشناس مسائل اسرائیل در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

باخت استراتژیک صهیونیست‌ها در آتش‌بس موقت

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

صهیونیست‌ها پیدا کردن اسرای خود را یکی اهداف آغاز حمله زمینی به شمال غزه معرفی می‌کردند، اما نه‌تنها نتوانستند اسرای خود را پیدا کنند، بلکه در مرحله سوم آتش‌بس در همان منطقه مجبور به مبادله اسرای دوطرف شدند. آتش‌بسی که به‌نظر می‌رسد چند روز دیگر هم تمدید خواهد شد. روز گذشته و در آستانه پایان مهلت چهارروزه آتش‌بس، سخنگوی حماس اعلام کرد آتش‌بس یک روز دیگر تمدید خواهد شد و به ازای آن ۱۰ اسیر آزاد خواهند شد، امری که قطعی بودن این گزاره را تقویت می‌کند. به‌نظر می‌رسد ادامه آتش‌بس موقت، مطلوب‌ترین شرایط برای صهیونیست‌ها در جهت کنترل فشار جهانی خواهد بود، اما فشار افراط‌گرایان داخلی در سرزمین‌های اشغالی این احتمال را تقویت می‌کند که اسرائیل به ادامه حملات زمینی تن دهد. برای بررسی و تحلیل شرایط فعلی جنگ و آینده آتش‌بس با سهیل کثیری‌نژاد، کارشناس مسائل اسرائیل گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

شرایط برای اسرائیل بعد از آتش‌بس سخت‌تر شده است

کثیری‌نژاد در ابتدا به این موضوع اشاره کرد که صهیونیست‌ها نتوانستند به اهدافی که در جنگ غزه به‌دنبال تحقق آن بودند، دست پیدا کنند و نهایتا مجبور به پذیرش آتش‌بس شدند و توضیح می‌دهد: «این آتش‌بس چند نکته داشت. یک نکته آن این بود شکستی که اسرائیلی‌ها در ۷ اکتبر و در روزهای بعدی متحمل شدند را بیشتر به نمایش گذاشت، یعنی تعدادی از اسرائیلی‌هایی که گرایش‌های افراطی‌تر دارند و راست‌گرا هستند، مدام سعی می‌کردند که در روزهای قبل از آتش‌بس این موضوع را مطرح کنند که ما با تهاجم‌های زمینی‌ای که داشتیم، توانستیم خیلی موفق باشیم و در حال از بین بردن حماس هستیم و با پارلمان حماس عکس گرفتیم و آن را از بین بردیم، بیمارستان شفا را به‌عنوان نماد مقر فرماندهی اشغال کردیم ولی وقتی آتش‌بس پذیرفته شده، معلوم شد اتفاقا همه‌چیز برعکس است. همین جریان‌های راست‌گرای افراطی نیز مجبور شدند به آن اذعان کنند که نه آن پارلمان و نه بیمارستان شفا هیچ‌کدام کارکرد فرماندهی برای حماس نداشتند. فرماندهی حماس در جای دیگر و به شکل دیگری در حال انجام بود و بنابراین اسرائیل نتوانست به فرماندهی حماس ضربه‌ای بزند. حماس کار خودش را هم انجام می‌دهد، مخصوصا با حرکت‌های هوشمندانه‌ای که این گروه برای آزاد کردن اسرا از سمت شمال غزه انجام داد که دقیقا در منطقه‌ای که تحت اشغال اسرائیلی‌هاست و آنها نزدیک به ۲۵ درصد از خاک غزه را در این منطقه شمالی تحت اشغال دارند. این نشان داد این تلفاتی که اسرائیلی‌ها در جنگ زمینی متحمل شدند و به اذعان خودشان این تلفات نزدیک به ۷۰ نفر است ولی بعضی از اخبار رسمی می‌گویند این تلفات بالای ۱۵۰ نفر است، یعنی نتوانست آن اهداف را یعنی آزاد کردن اسرا، از بین بردن حکومت حماس و از بین بردن توان نظامی حماس را محقق کند و درنهایت اسرائیلی‌ها مجبور شدند به تبادل رو بیاورند و شروط مقاومت را قبول کنند.»

حماس هنوز اسرای اصلی را آزاد نکرده است

این کارشناس مسائل رژیم صهیونیستی در ادامه گریزی نیز به شرایط داخلی سرزمین‌های اشغالی بعد از قبول آتش‌بس زد و گفت: «نکته دیگر این است که شرایط داخلی سرزمین‌های اشغالی بعد از قبول آتش‌بس برای نتانیاهو و به‌طور کلی برای ائتلاف سخت‌تر شد. بعد از پایان چهار روزه آتش‌بس، کار نتانیاهو برای ادامه عملیات سخت‌تر شد، چون از یک طرف افکار عمومی داخلی اسرائیل انتظارشان از جریان حاکم بالاتر رفت و این موضوع مطرح شد که وقتی یکبار نیروهای نظامی توانستند به این موضوع تن بدهند که تبادل اتفاق بیفتد ممکن است دوباره نیز این کار را انجام دهند و بقیه اسرا را آزاد کنند و فایده‌ای ندارد که بخواهند جلوی مقاومت بایستند و الان باید اسرای فلسطینی را آزاد کنند تا از آن طرف اسرای‌شان آزاد شوند؛ بر این اساس این فشار در افکار عمومی بیشتر شد. راهپیمایی‌هایی که علیه نتانیاهو و کابینه او انجام می‌شود روزبه‌روز در حال افزایش پیدا کردن است. مخصوصا اینکه تازه هنوز از بین اسرایی که نیروهای مقاومت آزاد کردند، اسرای اصلی که نظامی‌ها هستند، باقی مانده‌اند که فعلا نوبت به آنها نمی‌رسد و آنها را برای آخرین مرحله گذاشتند. نکته دیگر این است که افکار عمومی خارجی غیر از اسرائیل هم برای بعد از یک مرحله آتش‌بس قطعا فشار بیشتری به اسرائیل وارد می‌کنند که بخواهد دوباره جنگ را شروع کند، تا قبل از آتش‌بس راهپیمایی‌های مردمی در دنیا برگزار شد و تقریبا مردم هیچ کشوری از اسرائیل حمایت نکردند، جز چند تجمع محدود ۴۰، ۵۰ نفره. ولی بعد از یک آتش‌بس قطعا فشارهای بین‌المللی علیه اسرائیلی‌ها و البته آمریکایی‌ها بیشتر می‌شود. خود آمریکایی‌ها هم به این سمت خواهند رفت که فشار بیشتری به اسرائیلی‌ها بیاورند تا فعالیت‌های خود در غزه را کمتر کنند، کما اینکه از قبل هم در حال انجام این کار بودند. از آن طرف آمریکا به‌نوعی درگیر یمن هم شده و این شاید آمریکا را به این سمت ببرد که مقداری از فعالیت‌هایش را در اسرائیل کم کند و تمرکزش را به این سمت ببرد که از طریق نیروهای خودش و عربستان به یمن فشار بیاورد و به‌دنبال کنترل یمن باشد. از آن طرف یمنی‌ها هم احتمالا در روزهای آینده فعالیت‌هایشان را تشدید می‌کنند. درواقع شرایط هم در عرصه بین‌المللی، هم در عرصه نظامی و هم در عرصه سیاسی برای اسرائیلی‌ها به‌خصوص بعد از آتش‌بس سخت‌تر شده است.»

نظامیان اسرائیلی نتوانستند در محل تحت محاصره، محل اختفای اسرای اسرائیلی را پیدا کنند

کثیری‌نژاد در ادامه در پاسخ به اینکه چرا مبادله اسرا در منطقه‌ای اتفاق افتاد که اسرائیل ادعا می‌کرد آنجا پیشروی نظامی داشته است، توضیح داد: «الان اگر حضور نظامی اسرائیلی‌ها در غزه را ببینید تقریبا از نیمه، غزه را به شمال و جنوب جدا کردند و هر نوع رفت‌وآمد زمینی که قرار باشد بین شمال و جنوب انجام شود، باید زیر اشراف اسرائیلی‌ها صورت بگیرد. ولی این اقدامی که نیروهای مقاومت انجام دادند، نشان داد اولا با وجود اینکه اسرائیلی‌ها در تمام این مدت شمال غزه را محاصره کردند ولی نیروهای مقاومت در شرایطی که تحت محاصره هستند، فعالیت‌های نظامی خود را ادامه می‌دادند. علاوه بر آن، اسرا را حتی در این منطقه شمالی نیز در اختیار داشتند، اما اسرائیلی‌ها نمی‌توانستند متوجه این قضیه شوند که اسرائیلی‌ها کجا هستند که بخواهند عملیاتی برای آزادی آنها انجام دهد. نکته بعد این است که برخلاف تحلیل‌هایی که صهیونیست‌ها داشتند که ارتباط شمال و جنوب غزه به‌طور کامل قطع شده است، نیروهای مقاومت نشان دادند که اتفاقا نیروهای شمال کاملا با هدایت و هماهنگی و فرماندهی از طرف جنوب فعالیت‌هایش را انجام می‌دهد و این‌طور نبود که ارتباط به‌طور کامل قطع شده باشد. به‌طور کلی می‌توان گفت رژیم صهیونیستی در هیچ‌کدام از اهدافی که در جنگ داشت، موفقیت حاصل نکرد و مقاومت به‌نوعی این شکست آنها را به رخ کشید. تا قبل از آن، این اذعان وجود داشت اما بعد از آن کاملا این شکست در جنگ نظامی را به رخ کشیدند.»

حماس از ابزار آزادسازی و تبادل اسرا استفاده هوشمندانه‌ای کرد

کارشناس مسائل اسرائیل در ادامه به این موضوع اشاره می‌کند که صهیونیست‌ها از مبادله اسرا به‌عنوان ابزار جنگ روانی در جنگ استفاده کردند و می‌گوید: «می‌شود گفت حماس از ابزار آزادسازی و تبادل اسرا، استفاده هوشمندانه‌ای کرد. برخوردی که با اسرای اسرائیلی داشت، نه‌تنها برخورد بدی نبود، بلکه جوری برخورد کردند که اتفاقا هیچ‌کدام از اسرا رفتار ناشایستی از نیروهای مقاومت ندیدند. این را با رفتاری که صهیونیست‌ها با زندانی‌های فلسطینی دارند، مقایسه کنید. از آن طرف صهیونیست‌ها، تبلیغ می‌کنند که حماس نیروهای غیرنظامی و کودکان را به اسارت گرفته است، اما اسرای فلسطینی به وقت آزادی نوجوان هستند و بعضی از آنها چندین سال در زندان بودند. البته باید به این نکته هم اشاره کرد که هیچ راهی برای آزاد کردن اسرای فلسطینی وجود نداشت. همه جریان‌ها ازجمله سازشکاران که قائل بودند باید در جامعه اسرائیل حذف شد، هیچ‌یک نتوانستند راهکاری برای آزادی اسرای فلسطینی ارائه کنند اما حماس توانست با مقاومتش این کار را بکند. این است که قطعا دستاوردهایش بیشتر هم خواهد داشت، ضمن اینکه در این شرایط، کار برای اسرائیلی‌ها از این جهت که جمعیت غیرنظامی که در این ایام کوچ کرده بود و به جنوب غزه رفته بود، دوباره به شمال غزه برگشته است و ادامه حملات در این منطقه فضای منفی برای اسرائیل در جامعه جهانی به همراه خواهد آورد. اما این دلیلی بر این نیست که اسرائیلی‌ها دست به جنایت نزنند. شاید تصمیم‌گیری را برای آنها سخت‌تر کند اما این احتمال وجود دارد که جنایت‌های زمینی را انجام بدهند به این خاطر که در عرصه نظامی دستاوردی نداشتند و این احتمال وجود دارد که این درگیری‌ها را به عرصه غیرنظامی بکشانند.»

آزادی اسرای کرانه باختری محبوبیت حماس را افزایش می‌دهد

«بیشتر اسرای آزادشده فلسطینی در کرانه باختری زندگی می‌کردند...» این نکته‌ای است که کثیری‌نژاد به آن اشاره کرده و آن را یکی از موضوعاتی می‌داند که منجر به افزایش محبوبیت حماس در این منطقه می‌شود و توضیح می‌دهد: «یکی از دستاوردهای تبادل اسرا، این است که تقریبا همه اسرای آزادشده که در کرانه باختری زندگی می‌کردند و اسیر شدند، همان‌جا هم نگهداری می‌شدند. اسرایی که اهل غزه باشند، خیلی کم هستند. این موضوع یک چیز را در ذهن مردم فلسطین برجسته می‌کند. کرانه باختری که حکومتش دست تشکیلات خودگردان است؛ این تشکیلات بعد از پیمان اسلو همیشه با اسرائیل سازش کرده است و هیچ دستاوردی نداشته، بلکه اتفاقا برعکس، به نوعی بعد از صلح، اسرائیل را به رسمیت شناخته است و بخش زیادی از خاک کرانه باختری، نزدیک ۶۰ درصد آن را به صهیونیست‌ها داد. این عملکرد را مردم کل فلسطین مخصوصا کرانه باختری از تشکیلات خودگردان دیدند. از آن طرف مقاومت را در غزه دیدند و با وجود اینکه مدیریت آن دست حماس است و تشکیلات خودگردان در کرانه باختری قدرت سیاسی ندارد ولی مقاومت در غزه است که می‌تواند اسرای کرانه باختری را آزاد کند، نه سازشی که در تشکیلات خودگردان وجود دارد. این گرایش مردم را به مقاومت بیشتر هم می‌کند. اگر تا الان این روند مقداری کند بود، قطعا افزایش محبوبیت حماس در کرانه باختری، بیشتر خواهد شد؛ چه‌بسا محبوبیت حماس را در میان عرب‌های ۱۹۴۸ افزایش بدهد. شاید یکی پیامدهای مهم آن در عرصه داخلی فلسطین این بحث بود که به نوعی تقابل این دو رویکرد را نشان داد و گفت هرکدام از این رویکردها چه پیامدی دارد. پیامد رویکرد سازش‌کار این است که شما باید سرزمین‌هایتان را و استقلال و عزت‌تان را از دست بدهید و چیزی هم به دست نمی‌آورید، حتی شرایط رفاه اقتصادی را هم به دست نمی‌آورید. مثل آنچه که در کرانه باختری می‌بینیم. ولی شاید بهای مقاومت این است که انسان‌های زیادی شهید می‌شوند ولی از آن طرف عزت و اقتداری که به دست می‌آورد، بیشتر از این است و نهایتا مقاومت به سمت آزادی سرزمینی هم خواهند رفت.»

نتانیاهو هر اقدامی انجام دهد به باخت‌هایش اضافه می‌شود

کثیری‌نژاد در پاسخ به اینکه آتش‌بس ادامه‌دارتر خواهد بود یا اینکه بهترین گزینه جنگ فعلی برای صهیونیست‌ها و فلسطینی‌ها چه خواهد بود، می‌گوید: «قطعا برای همه طرف‌ها چه طرف فلسطینی، چه طرف اسرائیلی، چه حتی سایر کشورها، بهترین حالت این است که آتش‌بس ادامه پیدا کند و جنگ چه به شکل زمینی چه به شکل موشکی متوقف شود. ولی تبعات آن برای اسرائیلی‌ها به به‌خصوص جریان راست و نتانیاهو، بیشتر خواهد بود، در شرایطی که حزب نتانیاهو در شروع دولت، با ۳۲ کرسی آغاز به کار کرده بود، محبوبیت او به جایی رسیده که ۱۷ کرسی به دست می‌آورد، یعنی قطعا نمی‌تواند ائتلاف را تشکیل بدهد و دولت بعدی را از دست می‌دهد. بعضی از تحلیلگران اسرائیلی معتقدند حتی زندگی سیاسی نتانیاهو تمام می‌شود. این کار را برای نتانیاهو سخت می‌کند و دنبال این است که دستاورد نظامی در جنگ به دست بیاورد که در این نزدیک ۵۰ روز جنگ نتوانست این دستاورد نظامی را جور کند. از آن طرف جریان‌های ملی-مذهبی که نسبت به نتانیاهو هم افراطی‌تر هستند، احتمالا فشار را برنتانیاهو بیشتر خواهند کرد که اگر از ادامه جنگ انصراف بدهد، آنها هم از ائتلاف بیرون بیایند و دولت نتانیاهو را زودتر به شکست برسانند. نتانیاهو در وضعیتی قرار گرفته که جنگ را ادامه بدهد شکستش بیشتر می‌شود، جنگ را ادامه ندهد باید این شکست را زودتر بپذیرد؛ به همین خاطر تصمیم‌گیری برای او سخت است. ولی سناریویی که بیش از همه متصور است، این است که احتمالا آتش‌بس پنج روز دیگر تمدید می‌شود که بتوانند تعدادی از اسرا را تبدیل کنند.»

تهدید جنگ چندجبهه‌ای مقاومت موثر افتاد

این کارشناس مسائل اسرائیل در پاسخ به این سوال که احتمال تکرار دوباره عملیات طوفان الاقصی، از جانب گروه‌های مقاومت در آینده وجود دارد نیز پاسخ می‌دهد: «احتمالش زیاد است اما چند بحث فنی و نظامی دارد که قطعا نیازمند آمادگی، تمرین، رعایت مسائل حفاظتی و غافلگیری و این موارد است که زمان می‌برد. اما این کاملا امکان‌پذیر است، مخصوصا اینکه ما در جنگ دیدیم تمامی گروه‌های مقاومت یکپارچه عمل کردند و این یکپارچگی منجر به تقویت محور مقاومت شد. یکی از تبعات این جنگ این بود که برای اولین بار محور مقاومت نشان داد سناریویی که اسرائیلی‌ها از آن می‌ترسند، یعنی جنگ چندجبهه‌ای، سناریوی جدی است و نیروهای مقاومت تنها از آن صحبت نمی‌کنند بلکه برای آن آماده شده و حتی تمرین کرده‌اند و شمه‌هایی از آن را به نمایش گذاشتند. تازه هنوز محور مقاومت برنامه وحدت میدان‌ها را به صورت کامل پیاده نکرده است، بلکه عمدتا در عملیات طوفان الاقصی به صورت هشدار مطرح شده که البته توانست تا حدی این بازدارندگی را ایجاد بکند، مثلا حزب‌الله تمام تلاشش را کرد تا آمریکا را به این نتیجه برساند که ورود نظامی او به این جنگ برایش تبعات دارد و آمریکایی‌ها هم این را فهمیدند، به همین خاطر ورود جدی نظامی به این جنگ نکردند و بیشتر به سمت پشتیبانی از حمله نظامی‌ها حرکت کردند. اما از یک جنبه نیز وقتی به نوعی هیمنه صهیونیست‌ها در دنیا می‌شکند به هر گروه مقاومت این جرات را می‌دهد که می‌تواند منافع اسرائیل را چه در داخل چه بیرون از اسرائیل به چالش بکشد.»

حسن هانی‌زاده، کارشناس مسائل منطقه در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

احتمال اینکه در آینده عملیات جدی دیگری توسط حماس اجرایی شود وجود دارد

روز گذشته مهلت آتش‌بس چهارروزه جنگ غزه به پایان رسید. با میانجی‌گری قطر و مصر، آتش‌بس موقت بشردوستانه با همان شرایط آتش‌بس فعلی، برای دو روز دیگر تمدید شد. آتش‌بس در غزه درحالی تمدید می‌شود که بنیامین نتانیاهو مدعی شده بود به‌هیچ‌عنوان حاضر به پذیرش آتش‌بس نیست. واقعیات میدان نبرد اما راهبردهای سیاسی را نیز تحت‌تاثیر قرار داده و عیار ادعاهای مطرح شده را بیشتر مشخص می‌کند. نیروهای حماس فرآیند تبادل اسرا را در چهار مرحله در نقاط مختلف غزه از شمال تا جنوب انجام دادند تا این پیام را به جهان برسانند که مقاومت توانسته حمله زمینی رژیم صهیونیستی را مهار کرده و مانع از تسلط آنها بر باریکه غزه شود. آتش‌بس اما پایان همه‌چیز نیست و هر آن ممکن است خاکستر نبرد شعله‌ور شود. برای بررسی عوامل امکان تمدید آتش‌بس موقت و تبدیل آن به آتش‌بس دائم و همچنین عوامل بازدارنده رژیم صهیونیستی از تداوم نسل‌کشی در غزه به گفت‌وگو پرداخته‌ایم. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

پیش از آتش‌بس شاهد انتشار اخبار پیشروی رژیم صهیونیستی در شمال نوار غزه بودیم اما الان حماس بخشی از توافق تبادل اسرا را در شمال غزه انجام می‌دهد. معنی این اتفاقات چیست؟ آیا شمال غزه در تصرف نیروهای مقاومت قرار دارد یا اینکه تحت تسلط رژیم صهیونیستی است و این ترددها فقط به‌خاطر آتش‌بس است؟

بعد از عملیات طوفان الاقصی در ۷ اکتبر رژیم صهیونیستی تا ۴۸ ساعت واکنشی نتوانست نشان دهد و پس از آن نیز بمباران مناطق مسکونی را آغاز کرد به‌طوری‌که نزدیک به ۱۵ هزار نفر از اهالی غزه شهید و ۳۲ هزار نفر نیز مجروح شدند. عملیات زمینی رژیم صهیونیستی بارها با شکست مواجه شد. این رژیم سه بار قصد ورود به شمال غزه را داشت اما ظرف مدت ۱۰ روز نتوانست پیشروی کند. پس از آن با استفاده از سلاح‌های غیرمتعارف در بمباران مردم، توانست به شمال غزه نفوذ کند اما تله‌گذاری نیروهای حماس و جهاد اسلامی موجب شد که ارتش رژیم صهیونیستی حین اشغال بخش شمالی متحمل تلفات سنگینی شود. دو هزار نفر کشته شدند، ۱۰ هزار نفر مجروح و ۱۸۰ تانک مرکاوا نیز منهدم شد. این در تاریخ ارتش رژیم صهیونیستی کاملا بی‌سابقه است. در حال حاضر قسمتی از شمال غزه تحت کنترل رژیم صهیونیستی است اما حماس و جهاد اسلامی با یک نقشه حساب‌شده توانستند مناطقی را تله‌گذاری کرده و ارتش رژیم را درگیر کنند. بخش‌های مهم غزه همچنان دست حماس و جهاد اسلامی است. تونل‌ها بسیار پیچیده هستند و هنوز رژیم صهیونیستی نتوانسته به مقرهای مهم نیروهای حماس و جهاد اسلامی ورود کند. این امر تا زمانی که ارتش اسرائیل نتواند پیشروی کند، محقق نخواهد شد.

این آتش‌بس درنهایت به چه نتیجه‌ای منجر می‌شود؟ آیا تداوم پیدا کرده و امید به یک آتش‌بس دائمی در آن هست یا آن‌طور که نتانیاهو و همچنین وزیر جنگ رژیم صهیونیستی تهدید کرده‌اند، بعد از پایان آتش‌بس موقت دوباره جنگ آغاز می‌شود؟

طوفان الاقصی یک عملیات پیچیده و بسیار مهم بود. اسرائیل در همان ابتدا شکست اطلاعاتی را متحمل شد. راهبرد غافلگیری در این عملیات بسیار تاثیرگذار بود. به همین دلیل بعد از عملیات نیروهای حماس و جهاد اسلامی توانستند ابتکار عمل را در دست بگیرند. پذیرش آتش‌بس توسط بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در حقیقت به معنی تحمیل شکست سیاسی به اوست. درحال حاضر بعد از تحمیل شکست‌های متعدد به رژیم صهیونیستی، بنیامین نتانیاهو که قبلا گفته بود تحت هیچ شرایطی آتش‌بس را قبول نخواهد کرد، مجبور شده است تحت فشارهای داخلی و خارجی آتش‌بس را بپذیرد.

با توجه به اینکه غربی‌ها به دنبال کم کردن فشار عمومی مردم جهان به رژیم صهیونیستی از طریق آتش‌بس موقت و تحت عنوان بشردوستانه بودند، آتش‌بس موقت چقدر برای جریان مقاومت مطلوب محسوب می‌شود؟ آیا باعث نمی‌شود تا اثر روانی جنایات رژیم صهیونیستی خنثی شود؟

آتش‌بس موقت برای چند روز دیگر ممکن است ادامه پیدا کند و کاروان‌های کمک‌رسانی همچنان به سمت غزه در حرکتند. چند روزی ممکن است آتش‌بس ادامه داشته باشد اما رژیم صهیونیستی بعد از این آتش‌بس همچنان به جنایات خودش علیه مردم غزه ادامه خواهد داد و ممکن است دست به کشتار جدیدی بزند. در آینده قدرت مقاومت حماس، جهاد اسلامی و ابتکاراتی که به کار می‌گیرند، می‌تواند بسیار تعیین‌کننده باشد.

برخی اتفاق رخ‌داده را این‌گونه روایت می‌کنند که برای آزادی ۱۵۰ اسیر فلسطینی حدود ۱۵ هزار فلسطینی به شهادت رسیدند، یعنی به ازای هر اسیر، ۱۰۰ نفر. چنین نگاهی باعث می‌شود که شکست حماس و مقاومت نتیجه‌گیری شود. رژیم صهیونیستی نیز با بالابردن آمار تلفات غیرنظامیان دنبال ساختن چنین تصویر پیروزمندانه‌ای از خود است. با توجه به این امر آیا تبادل اسرا دستاوردی کافی برای مقاومت محسوب می‌شود یا برای تکمیل دستاوردها مقاومت باید به دنبال چیزهای دیگری هم باشد؟

با توجه به اینکه رژیم صهیونیستی شرایط حماس را برای آتش‌بس قبول کرده و زندانیان فلسطینی که برخی‌هایشان ۲۰ سال در بند این رژیم بوده‌اند، آزاد شده‌اند، می‌توانیم آتش‌بس را دستاورد تاریخی بدانیم. بسیاری از افرادی که در بند رژیم صهیونیستی هستند، جزء نخبگان فلسطینی‌اند که آزادکردن‌شان اقدام مهمی محسوب می‌شود. در سوی مقابل تنها دستاورد رژیم صهیونیستی از جنگ ۲۰۲۳ کشتار مردم است. همین کشتار نیز افکار عمومی را علیه رژیم صهیونیستی تحریک کرده و الان جایگاه مقاومت اسلامی بعد از عملیات طوفان الاقصی به‌شدت نزد افکار عمومی افزایش پیدا کرده است.

اگر فرض را بر این بگیریم که آتش‌بس دائمی شود به نظرتان آینده پساجنگ چگونه است؟ گروه‌های مقاومت برای سال‌های آینده چه اقداماتی خواهد کرد؟ آیا ممکن است یک عملیات دیگر مشابه الاقصی را شاهد باشیم؟

هدف رژیم صهیونیستی و آمریکا این است که از طریق بمباران‌های مکرر و کشتار مردم، غزه را از وجود مردم خالی کرده، حماس و جهاد اسلام خلع‌سلاح شوند و غزه نیز تحت مدیریت رژیم صهیونیستی و سازمان ملل قرار گیرد. اما مقاومت حماس و جهاد اسلامی جنگ را طولانی کرده و موجب فرسایش ارتش اسرائیل می‌شود. احتمال اینکه در آینده عملیات جدیدی از سوی حماس و جهاد اسلامی صورت گیرد، وجود دارد. این امر به قدرت مقاومت حماس و جهاد اسلامی بستگی دارد ولی اگر رژیم صهیونیستی همچنان به پیشروی خودش ادامه دهد طبیعتا فشارهای بیشتری به مردم وارد شده و ممکن است حماس در طولانی‌مدت نتواند مقاومت کند. رژیم صهیونیستی ممکن است در طولانی‌مدت از سلاح‌های دیگری نیز برای تخریب تونل‌های زیر شهر غزه و غافلگیری نیروهای مقاومت استفاده کند.

یک بال موثر در نبرد جریان مقاومت، گروه‌های یمنی بوده‌اند که برای توقیف سومین کشتی رژیم صهیونیستی نیز اقدام کرده‌اند اما گویا نتوانستند موفق شوند. با توجه به اینکه رژیم تهدید کرده بود پس از نبرد با حماس به سراغ یمن می‌رود به نظرتان واکنش غربی‌ها به اقدامات یمن چه خواهد بود؟ و این اقدامات آیا از جانب گروه‌های یمنی قابلیت مهار دارد؟

نیروهای یمنی بخشی از محور مقاومت هستند. انصارالله یمن با این اقدامات قصد تشدید فشارها به آمریکا و رژیم صهیونیستی برای توقف نسل‌کشی در غزه را دارد. آنها به دلیل تسلط بر تنگه باب‌المندب ابتکار عمل را در دست دارند و می‌توانند منافع آمریکا و رژیم را تهدید کنند. به همین دلیل ممکن است در آینده درگیری‌هایی در سطح منطقه صورت گیرد و اسرائیل بخواهد برای دگرگون کردن شرایط منطقه به بسیاری از جنبش‌های ذیل گفتمان مقاومت ازجمله انصارالله، حزب‌الله و سوریه حمله کند. احتمالا رژیم صهیونیستی به یمن نیز یورش ببرد اما چون انصارالله نیروی متمرکزی نیست طبیعتا این اقدامات خیلی موثر نخواهد بود.